

اون قبلنا که موبایل نبود...!

● رویا صدر

می شدند.

دریغ از یک کلمه حرف و اختلاط. الان بعضیها دلشان نمی آید شاهد سکوت جانفرسای تاکسی باشند، این است که مرام می گذارند و به محض سوار شدن، تلفن همراهشان را در می آورند و شماره می گیرند و با دست و دلبازی، چنان از تارهای صوتی و حنجره خود مایه می گذارند که حتی سرنشینان تاکسیهای بغلی هم مستفیض می شوند واز تنهایی در می آیند. مضافاً این که اطلاعاتشان هم بالا می رود و می فهمند که: شهین جون مریضیش چیه، عباس آقا مظنه آهنش چنده و سامی جون شکمش کار کرده یا نه! خلاصه از وقتی موبایل آمده اطلاعات عمومی و خصوصی ما تاکسی سوارها هم الحق و الانصاف زیاد شده است.

یک میان سال با حال: الان که موبایل هست خیلی خوب شده. قبلاً باور نمی کنید، ولی ما مجبور بودیم سه چهار نفری همه در خانه از یک تلفن استفاده کنیم. آن هم سیم داشت و به پریز وصل بود و نمی شد جابه جایش کرد. چه فجایی که به همین علت در خانواده ها اتفاق نمی افتاد. من یادم هست که حتی بعضی وقتها، پدرها و مادرها از آدم سؤال می کردند: «اینی که الان بهت تلفن زد کیه؟» این مشکل در حال حاضر خوشبختانه با استفاده بچه ها از موبایل حل شده و کنترل تماسها توسط والدین به سمت صفر میل کرده. مگر این که پدر و مادری با قساوت هر چه تمامتر، مدام گوشی موبایل بچه را کنترل کنند که خوش بختانه توی این دوره و زمانه، با آگاهیهای روز افزون بچه ها و

یک صاحب خانه منصف: قبلاً که موبایل نبود، کی جرئت می کردیم آدمهای بچه دار را دعوت کنیم خانه مان؟ بچه ها می خواستند به همه سوراخ سمبه ها سر بکشند و با بچه های دیگر دست به یکی کنند و خانه را بگذارند روی سرشان و بروند هزار تا خرابکاری به بار بیاورند. حالا الحمدلله اصلاً نمی فهمی طرف بچه دارد. نه حرفی، نه ادیتی، نه ریخت و پاشی، نه سر و گوش جنباندنی، بچه آن قدر گرم موبایلش است که اصلاً سلام هم نمی کند. از دیوار صدا در بیاید، از او در نمی آید. دریغ از یک کلمه صحبت... خلاصه حالا خیلی خوب شده.

یک راننده صبور: قبلاً که موبایل نبود، کی راننده ها این قدر توی رانندگی صبر و طاقت به خرج می دادند؟ قبلاً طرف انگاری سرمی بره: توی لاین سرعت همچین می رفت که هیشکی جلودارش نبود. الان می بینی یارو داره با سرعت ۱۰ کیلومتر در ساعت یواش یواش از لاین سرعت، اونم توی بزرگراه، می ره و هر چی هم راننده های بی نزاکت و عجول و ندید بدید و بی ادب برایش بوق و چراغ می زنن، آن قدر صبور و پرتاقته که عین خیالش نیست. می ری جلوتر می بینی یارو داره با موبایل حرف می زنه. خلاصه اش، موبایل صبر و طاقت آدمارو توی رانندگی زیاد می کنه.

یک تاکسی سوار

آداب دان: قبلاً که موبایل

نبود، چه بسا سرنشینان یک تاکسی

فقط آه های جانسوز می کشیدند و به دوردستها خیره



شیوه‌های مدرن دور زدن، این شیوه نیز دارد کارایی خودش را از دست می‌دهد.

یک محصل علاقه‌مند به پیشرفت

اطلاعات: قبلاً کسی این قدر رد و بدل کردن اطلاعات راحت بود؟ می‌خواستی یک اطلاعاتی را با هم کلاسی‌ات سر جلسه امتحان یا سر کلاس که معلم دارد درس می‌پرسد رد و بدل کنی. جدت می‌آمد جلوی چشم‌ت. الان با موبایل، می‌توانی خیلی راحت این کار را بکنی و سطح علمی‌ات را ببری بالا. البته درست است که موبایل گاهی توسط بعضی معلم‌های ندید بدید (!) مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و جهت ارسال پیام‌های آموزشی برای بچه‌های معصوم و بی‌پناه از آن استفاده می‌کنند و وقت گرانبه‌ای ما را می‌گیرند، ولی در مدرسه به‌خصوص سر جلسات امتحان، بین رفقا خیلی خواهان دارد. شاعر نیز در همین رابطه گفته است:

دوست آن باشد که گیرد دست دوست
با پیامک وقت درس و مدرسه

یک کارشناس انرژی: قبلاً که موبایل نبود، خیلی از انرژی‌های که می‌توانست صرف کارهای مفید بشود، هدر می‌رفت. الان موبایل به‌خصوص در میان نوجوانان جای عضو پردردسری به‌نام زبان را گرفته و انرژی بچه‌ها برای حرف زدن هدر نمی‌رود. می‌بینی دو تانوجوانان کیپ هم نشسته‌اند دارند از طریق پیامک با هم حرف می‌زنند و این، برای کره زمین خیلی مفید است.

یک محصل مبتکر: خب فکر کنم اون وقت که موبایل



نبود، کار مشکل‌تر بود. محدود می‌شد به این که: «دقترم رو نیاوردم، دقترم گم شده

بود، نتونستم بنویسم. «ولی الان خوش‌بختانه با پیشرفت فناوری، امکانات بیشتری در اختیار بچه‌هاست که مولای درزشون نمی‌ره. مثلاً: «خانوم موبایلم آنتن نمی‌داد، نتونستم سؤالایی رو که فرستاده بودید، حل کنم.» یا: «آقا سیستم پیامک قطع بود، تکلیفایی رو که پیامک کرده بودید، نتونستم بگیرم.»

یک رزمی‌کار: قبلنا که موبایل نبود، کی بر و بیج با انگشتاشون این همه ورزش می‌کردن؟ الان به قاعده یه تردمیل، شبانه روز از انگشتا برای موبایلا کار می‌کشن. حتم توی سلامتی بچه‌ها دخل داره...

یک بلوتوث باز حرفه‌ای: اون وقت که تلفن همراه نبود، کی ما می‌تونستیم با اند سرعت همه چی رو برای هر کی بخوایم بلوتوث کنیم؟ فقط حیف که بعضی معلما با فردستانان فیلمها و عکسها و چیزای آموزشی، هی با پدیده با حال بلوتوث، ضد حال می‌زنن که واقعا جای تاسف داره!

یک دانش‌آموز گیم باز ادب دوست: اون وقت که تلفن همراه نبود، گیم هم نبود و این، یعنی عصر ما قبل تاریخ من موندم که واقعا بچه‌های اون وقت چه کار می‌کردن؟ امروزه گیم مته نون شب و صبح برای جلوگیری از خوابیدن و خر و پف کردن دانش‌آموزای سر کلاس واجبه و شاعر هم در این رابطه گفته:

من و گوش‌ی و گیم پرآب و تاب



تصویر: سارا بهمن / خنیم